بررسی تربیت کودک در روایات اسلامی و سیره عملی اهل بیت(علیهم السلام)

پدید آورنده : ابوالفضل هادی منش ، صفحه 33

اشاره

موضوع تربیت فرزند، از دیرباز جزو موضوعات اساسی و بنیادی اسلام بوده است. در دنیای امروز با توسعه و رشد مهارناپذیر تکنولوژی و پیشرفت های چشمگیر آن، و نیز در عصر رویکرد دوباره بشر به مسئله دین و تربیت الهی موضوع تربیت فرزند، هم چنان چشم گیر می نماید. امروز حتی خانواده های غربی نیز به خوبی دریافته اند که بازی های رایانه ای، سایت های سرگرمی، چت های اینترنتی، تلویزیون، سینما، و... نیازهای روحی فرزندشان را تأمین نمی کند و بنیان خانواده را اکسیری جز تربیت صحیح فرزند، استوار نخواهد نمود. نوشتار حاضر بر آن است که نگاهی کوتاه به تربیت دینی کودک در روایات اسلامی بیندازد.

ضرورت تربیت فرزند صالح

تربیت، مجموعه روش ها و راهکارهایی است که از آغاز زندگانی انسان، به کار گرفته شده است تا او در مسیر صحیح رشد و ترقی قرار گیرد و در پرتو این آموزش ها، بتواند خود را از انحراف نجات دهد و راه سعادت و کمال را در پیش گیرد. پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) فرموده اند: اَلوَلَدُ الصّالِحُ رَیحَانَةٌ مِن رَیَاحِینِ الجَنَّةِ؛ فرزند صالح گلی است از بوستان بهشت1. هم چنین فرمودند: مِن سَعَادَةِ الرَّجُلِ الوَلَدُ الصَّالِحُ؛ فرزند صالح نشانه خوشبختی فرد است.2

امام صادق(علیه السلام) نیز فرمودند: مِیرَاثُ اللّهِ مِن عَبدِهِ المُؤمِنِ الوَلَدُ الصَّالِحِ...؛ میراث خداوند به بنده مؤمنش فرزند صالح است3.

نام گذاری شایسته

مسئله مهمی که در تربیت فرزند نیز تأثیر دارد، انتخاب نام شایسته برای کودک است. بسیاری از افراد هستند که در بزرگ سالی، نام خود را به دلیل عدم تناسب تغییر می دهند و حتی برخی از جوانان و نوجوانان نیز از گفتن نام اصلی خود، به دلیل سبُک و سخیف بودن، پرهیز می نمایند.

از آن جا که اسلام به شکوه و جلال مسلمانان توجه ویژه دارد، آنان را از نام گذاری های ناشایست و غیر متین برای فرزندان، باز داشته است. حتی از نام گذاریِ نیک، به «حقی مسلّم بر گردن پدر و مادر» تعبیر شده است. امام کاظم(علیه السلام) می فرماید:

اَوَّلُ مَا یَبَرُّ الرَّجُلُ وَلَدَهُ اَنْ یُسَمِّیهِ بِأِسمٍ حَسَنٍ فَلیُحَسِّن اَحَدُکُمُ اسْمَ وَلَدِهِ؛ نخستین کار نیکی که شخص برای فرزندش انجام می دهد این است که نام نیکو بر او بگذارد. پس شایسته است هر یک از شما نام فرزند خود را نیکو قرار دهد.4

هم چنین روایت شده است که فردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمد و پرسید: ای رسول خدا! حق فرزندم بر من چیست؟ فرمود: نام و تربیتش را نیکو کنی و او را در محیطی خوب پرورش دهی.5

امام صادق(علیه السلام) در سخنی فراگیر و کامل در پاسخ ابن حمید، که برای مشورت در مورد انتخاب نامی برای فرزندش شرف یاب شده بود، فرمودند: از نام هایی که بندگی خدای را می رساند (انتخاب کن و) بر او بگذار.6

گذشته از این مطلب، احادیثی موجود است که مبتنی بر تغییر برخی نام ها توسط اهل بیت(علیهم السلام) می باشد که آنان این گونه ناخرسندی خود را از گذاشتن این دسته نام ها اِبراز داشته اند؛ آن سان که آورده اند رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نام افراد و اماکنی که زیبنده نبود، تغییر می داده اند.7

همچنین آمده است که امیرالمؤمنین(علیه السلام)، با این که نام مادر و همسرشان فاطمه(علیهاالسلام) بود، نام یکی از دختران خود را نیز فاطمه نهادند.8 و نیز نگاشته اند شدت علاقه به حضرت زهرا(علیهاالسلام) در اهل بیت(علیهم السلام) به گونه ای بود که امام کاظم(علیه السلام) نام چهار دختر خود را فاطمه گذاشتند؛ فاطمه کبری، فاطمه وسطی، فاطمه صغری، فاطمه اخری که به فواطم اربعه شهرت یافتند.9 امام رضا(علیه السلام) نیز فرموده اند: لایَدخُلُ الفَقرَ بَیتاً فِیهِ اسْمُ فَاطِمَة مِنَ النِّسَاءِ؛ در خانه ای که نام یکی از زنان فاطمه باشد محرومیت داخل نمی شود.10

این ویژگی در خانواده امام حسین(علیه السلام) نیز دیده می شود و فاطمه کبری و فاطمه صغری از دختران او به شمار می روند.11 این در حالی است که فضای سرکوب شیعیان، بر جامعه حاکم شده بود و رعب و وحشت بر سر آنان که نام فرزندان خود را علی و فاطمه می نهادند، سایه افکنده بود. امام حسین(علیه السلام) نیز در آن فضای تهدید و ارعاب، دست به مبارزه ای آشکار زده و با این نام گذاری به پاسداشت جایگاه و احترام این دو دُردانه آفرینش بر می خیزند.

لزوم تربیت فرزند از سنین کودکی

همان گونه که کارشناسان تربیت کودک نیز اذعان دارند، بهترین دوره برای تربیت فرزند، دوران کودکی است. زیرا در این سنین حس تقلید و نیز حس پذیرش آموزه های تربیتی، در سطح بالایی از توانمندی قرار دارد و کودک به خوبی آن چه را که به او آموخته می شود، فرا می گیرد. امیرالمؤمنین(علیه السلام) به فرزند خود امام مجتبی(علیه السلام) می فرماید: «قلب کودک نورس همانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. ازاین رو در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و اندیشه ات به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بشتابی که صاحبان تجربه، زحمت آزمودن آن را کشیده اند و تو را از تلاش و یافتن بی نیاز ساخته اند».12

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در مورد تربیت از سنین کودکی فرموده اند: مَن رَبّی صَغِیراً حَتَی یَقُولُ لااِلهَ اِلاّ اللّه لَمْ یُحَاسِبهُ اللّهُ؛ هر کس فرزندش را از کودکی تربیت کند تا او بتواند بگوید لا اله الا الله، خداوند از او حساب نخواهد کشید.13

ضرورت مهرورزی و توجه به عواطف کودکانه

رشد معنوی و تربیت اخلاقی مستلزم پرورش سالم عواطف کودک است. در این زمینه نیز روایات بسیاری وارد شده است؛ امام صادق(علیه السلام) فرموده اند:

اِنَّ اللّه لَیَرحَمُ العَبدُ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لِوَلَدِه؛ همانا پروردگار بنده اش را به دلیل زیادی مهرورزی نسبت به کودک خود می بخشاید.14

هم چنین از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت شده است:

مَن قَبَّلَ وَلَدَهُ کَتَبَ اللّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَن فَرَّحَه فَرَّحَهُ اللّهُ یَوم القِیَامَةِ؛ هر کس فرزند خود را ببوسد خدا بر او پاداشی می نویسد وهر کس فرزندش را خوشحال کند خدا او را در روز رستاخیز شاد می گرداند.15

و در جای دیگری فرموده اند:

اُحِبُّوا الصِّبیَانَ وَ ارْحَمُوهُم؛ کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنان مهربان باشید.16

همچنین روایت شده است که روزی مردی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! من ده فرزند دارم ولی هرگز کودکانم را نبوسیده ام. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: کسی که رحم نکند [مورد]رحم [واقع [نمی شود.17

رعایت حدود محبت و اظهار علاقه

با این که در اسلام درباره اظهار علاقه نسبت به کودکان سفارش شده است اما این مهرورزی و علاقه نباید مَصالح واقعی را تحت الشعاع قرار بدهد، بلکه می باید با اظهار محبتِ مهارشده، با کودکان رفتار کرد. زیرا در برخی از موارد، اظهار محبتِ بی حساب، باعث فدا شدن مصالح بزرگتری می شود و یا موجب سوء استفاده کردن کودک و در اصطلاح عامیانه «لوس» شدن او می گردد. باید توجه داشت نوازش های بدون حد و حصر و توجیه نشده و خارج از حد اعتدال، اثرات سوئی را بر روان کودک بر جای می گذارد؛ پُرتوقعی، زودرنجی، ضعف در برابر مشکلات، ناامیدی، عقده حقارت، سرخوردگی از اجتماع و بسیاری فشارهای روانی دیگر، زاییده ارتباطات مهرآمیز افراطی با کودک است. امام باقر(علیه السلام) در این راستا می فرماید:

شَرُّ الابَاءِ مَن دَعَاهُ البِرُّ اِلَی الاِفرَاطِ وَ شَرُّ الاَبنَاءِ مَن دَعَاه التَّقصِیرِ اِلَی العُقُوقِ؛ بدترین پدران کسی است که [در نیکی از حد اعتدال خارج شود و] به زیاده روی بگراید و بدترین فرزندان فرزندی است که در اثر کوتاهی، به عاق والدین دچار شود.18

نگاشته اند؛ روزی جمعی از دوستان امام باقر(علیه السلام) به منزل ایشان آمدند. یکی از فرزندان خردسال ایشان دچار تب شدید و بیماری سختی بود. امام نیز از این موضوع سخت ناراحت بودند به گونه ای که آرامش نداشتند و آثار اندوه در چهره ایشان دیده می شد. مهمانان با مشاهده سیمای اندوهگین امام، بر حال ایشان نگران شده و با خود گفتند اگر این فرزند از دنیا برود حتماً از اندوه و پریشانی برای امام اتفاقی می افتد. در همین اثنا، صدای گریه زنان از اتاق مجاور شنیده شد و همگی دانستیم که برای کودک اتفاقی افتاده. اندکی بعد با خبر شدیم که فرزند خردسال امام از دنیا رفته است. امام به اتاق مجاور رفت و پس از ساعتی بازگشت اما بر خلاف انتظارِ حاضرین، دیگر در چهره ایشان اثری از پریشانی دیده نشد، به امام عرض کردند: وقتی که ما نزد شما آمدیم به گونه ای پریشان بودید که ما نگران حال شما شدیم [اما اینک اثری از ناراحتی در شما نمی بینیم!]. امام فرمودند: ما نیز [مثل شما]دوست داریم که عزیزانمان تندرست و به دور از آسیب باشند ولی زمانی که امر الهی سر رسید و تقدیر خدا محقق گردید [گردن نهادن در برابر] امر خدا برایمان عزیزتر است.19

به بیان دیگر، درست است که محبت به فرزند جایگاه ویژه ای دارد اما نباید همه چیز را فدای آن نمود و از وظیفه اصلی سرباز زد.

توجه عاطفی بیشتر به دختر

اسلام بین دختر و پسر فرق نمی گذارد و ملاک برتری را در تقوا می داند، و خداوند به هر کس بخواهد دختر و به هر کس که خواست پسر می دهد. مهم این است که فرزند، سالم و صالح باشد. قرآن کریم می فرماید:

«یَهَبُ لِمَن یَشَاءُ الذُّکُورَ اَو یُزَوِّجُهُم ذُکْرَاناً وَ اِنَاثاً وَ یَجعَلُ مَن یَشَاءُ عَقِیماً اِنَّهُ عَلِیمٌ قَدِیرٌ؛ خداوند به هر که بخواهد دختر و به هر که بخواهد پسر می دهد و یا پسر و دختر را با هم به وی عطا می کند و آن که را بخواهد نازا می نماید. به درستی که او دانای تواناست»20

اسلام شدیداً سنت ناپسند و جاهلی اکراه از دختر داشتن را رد می کند و بر خلاف افکار ظاهربین که پسر را بیشتر دوست می دارند، در بعضی از موارد دختر را برتر از پسر قلمداد می کند و دلیل آن را وجود پاره ای از ویژگی های ذاتی که در درون آن هاست، برمی شمارد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در این باره می فرماید:

نِعمَ الوَلَدُ البَنَاتُ مُلَطِّفَاتٌ مُجَهِّزَاتٌ مُؤمِنَاتٌ مُبَارَکاتٌ مُفَلَّیَاتٌ؛ دختران چه فرزندان خوبی هستند؛ با لطافت و مهربان، آماده به خدمت رسانی، یار و غمخوار [اعضای خانواده]، بابرکت و پاکیزه کننده [در خانواده برای پدر و مادر ].21

و نیز فرموده اند:

اِنَّ اللّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی عَلَی الاُناثِ اَرَقٌّ مِنهُ عَلَی الذُّکُورِ؛ خداوند متعال بر دختران مهربان تر است تا پسران.22

در برخی موارد دختران برتری نیز دارند. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

البَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ البَنُونُ نِعمَةٌ وَ اِنَّما یُثَابُ عَلَی الحَسَنَاتِ و یُسألُ عَنِ النِعمَةِ؛ دختران نیکی و پسران نعمت اند و همانا بر نیکی ها پاداش داده و از نعمت ها سؤال می شود.23

اسلام با در نظر داشتن روحیات لطیف دختر، به والدین دستور داده که در برخی از رفتارهای خانوادگی مانند تقسیم هدایا، دختران را مقدم شمارند.

آموزش های دینی و تقویت مبانی اعتقادی کودک

بدون تردید، یادگیری از مهم ترین فرایندهای روانی است که زمینه های آن از سنین کودکی شکل می گیرد و به تدریج با بالا رفتن سن کودک، استعدادهای او نیز بیشتر شکوفا می شود. کودک به دلیل وجود حس قوی تقلید، تلاش می کند تا رفتاری همسان با والدین خود بازسازی کند. وجود این حس، به او کمک فراوانی در یادگیری می نماید. والدین نیز می باید از این حس قوی به سود فرزند خود بهره برداری کنند و با آموزش های ابتدایی، کم کم زمینه های آشنایی با تعالیم دینی و مبانی اعتقادی، به ویژه نماز، را در او به وجود آورند.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

هنگامی که کودک به سه سالگی رسید لا اله الا اللّه را به او بیاموزید و او را رها کنید (همین مقدار کافی است). وقتی هفت ماه دیگر گذشت محمد رسول اللّه (صلی الله علیه وآله) را به او آموزش دهید و سپس او را رها کنید تا چهار ساله شود. آن گاه صلوات فرستادن را به او بیاموزید. در پنج سالگی به او سمت راست و چپ را آموزش دهید و قبله را نشان او داده و بگویید سجده کند. آن گاه او را تا شش سالگی واگذارید. فقط پیش روی او نماز بخوانید و رکوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش هم تمام شود. وقتی هفت سالگی را پشت سر گذاشت، وضو ساختن را به او تعلیم دهید و به او بگویید نماز بخواند، تا هنگامی که نه ساله شد وضو و نماز را به نیکی آموخته باشد. و هنگامی که آن دو را به خوبی یاد گرفت خدا پدر و مادر او را به خاطر این آموزش شان خواهد آمرزید.24

تعلیم دیگر آموزش های لازم و ارتقاء سطح دانش و معرفت کودک

گذشته از ضرورت تعلیم کودک و آشنا نمودن او با اصول اعتقادی، آموزش های دیگری نیز ـ و لو در حد آشنایی ـ برای کودکِ در حال رشد ضروری است.

امام صادق(علیه السلام) به جمیل بن درّاج فرمودند: بَادِرُوا اَحدَاثَکُم بِالحَدِیثِ قَبلَ اَن تَسبِقَکُم اِلَیهِم المُرجِئَةُ؛ فرزندانتان را با کلام [ما] آشنا کنید پیش از آن که مرجئه [و دیگر فرقه های منحرف عقیدتی [بر شما سبقت بگیرند [ و آنان را منحرف سازند].25

و نیز:

عَلِّمُوا صِبیَانَکُم مِن عِلمِنَا مَا یَنفَعُهُم اللّهُ بِهِ لا تَغلِبَ عَلَیهِمُ المُرجِئَةُ بِرَأیِهَا؛ کودکانتان را به دانش ما آموزش دهید که برای آنان سودمند است تا مرجئه [و منحرفین] با دیدگاه های خود آنان را مغلوب خود نسازند. 26

اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام) همواره عنایت ویژه ای به آموزش فرزند و بالا بردن سطح درک و معرفت او نشان می دادند.

پی نوشت ها:

1ـ وسائل الشیعة، ج15، ص97.

2ـ همان.

3ـ همان.

4ـ همان، ج15، ص122؛ فروع کافی، ج2، ص86.

5ـ همان، ج15، ص123.

6ـ همان، ج15، ص128؛ فروع کافی، ج2، ص86.

7- همان، ج15، ص122.

8ـ الارشاد، ج1، ص215.

9ـ همان، ج2، ص344: بحارالانوار، ج48، ص317؛ تذکرة الخواص، ص351.

10ـ وسائل الشیعة، ج15، ص129.

11ـ تذکرة الخواص، ص278.

12ـ نهج البلاغه (دشتی)، ص522.

13ـ ارشاد القلوب، ص225.

14ـ وسائل الشیعة، ج21، ص483.

15ـ همان، ج21، ص475.

16ـ همان، ج21، ص483.

17ـ همان، ج15، ص203.

18- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 486.

19ـ بحارالانوار، ج 11، ص 86؛ عیون الاخبار، ج 3، ص 64.

20ـ شوری: 49.

21ـ مستدرک الوسائل ج15، ص115؛ وسائل الشیعة، ج15، ص100؛ فروغ کافی، ج2، ص82.

22ـ وسائل الشیعة، ج15، ص104؛ فروع کافی، ج2، ص82.

23ـ همان، ج15، ص104؛ فروع کافی، ج2، ص82.

24ـ وسائل الشیعة، ج15، ص193.

25ـ فروع کافی، ج2، ص94.

26ـ الخصال، ج2، ص157.